

نقش شهر بناب در توسعه اقتصاد پایدار منطقه ای با رویکرد مدل های اقتصادی - جمعیتی

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۴/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۲/۳۰

رسول وظیفه شناس* (گروه شهرسازی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران)
کریم حسین زاده دلیر (استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند،
ایران)
محمد علی خلیجی (گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)

چکیده

امروزه شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه به شدت در حال رشد هستند این نواحی تمامی امکانات، خدمات و سرمایه های کشور را در خود بلعیده، ولی با این وجود با انواع مشکلات و معضلات شهری از جمله: کمبود مسکن، بالا رفتن میزان بیکاری، مسأله حاشیه نشینی، مشکل حمل و نقل و نارسایی در عرضه سایر خدمات شهری، همچنین تخریب محیط زیست دست و پنجه نرم می کنند. از طرف دیگر سایر نقاط در این کشورها اعم از شهرهای میانی، شهرهای کوچک و نقاط روستایی از توسعه عقب مانده اند و دچار رکود و توقف در سیر پیشرفت خود شده اند. هدف کلی این پژوهش مشخص کردن تاثیر شهر بناب در فرایند توسعه سکونتگاه های پیرامونی (ناحیه) و ارزشیابی عملکرد این شهر در حوزه اقتصادی و جمعیتی است. نوع تحقیق کاربردی، و داده های مورد نیاز از نتایج آخرین سرشماری رسمی نفوس و مسکن کشور ۱۳۹۰ گردآوری شده است. روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از مدل های ضریب مکانی، روش کشش پذیری، روش ترسیمی طولی ایزارد، روش ژرژشابو و تونی گارنیه انجام شده است. یافته ها نشان می دهد که بناب در بخش خدمات و کشاورزی خودکفا می باشد و نرخ اشتغال واقعی ۹۳/۴۴ درصد و نقش غالب شهر چندنقشی است. بر اساس مدل ایزارد بخش صنعت و خدمات در سطح ملی وضعیت نسبتاً مطلوبی دارند. بنابراین حصول به جایگاه برتر در سطح ملی و منطقه ای مستلزم تدوین و اجرای طرح های راهبردی و توجه خاص سطح کلان تصمیم گیری کشور به ظرفیت های نهفته و بی نظیر شهر بناب می باشد.

واژه های کلیدی: شهرهای میانی، اقتصاد منطقه ای، توسعه اقتصاد پایدار، بناب

* نویسنده رابط: r.vazife@gmail.com

۱- مقدمه

در دیدگاه تبیین‌کننده فرایند توسعه منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیت‌ها در فضا، از اهمیت خاصی برخوردار است (اکبری‌ان، محمدپور، ۱۳۹۲، ۴۶). برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای به این مفهوم است که چگونه می‌توان برای یک منطقه که ممکن است شامل چند شهر بزرگ در یک منطقه یا استان یا ایالت باشد (پریزادی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۶). توسعه منطقه‌ای با توسعه اقتصادی رابطه تنگاتنگ و نزدیک دارد، چرا که با افزایش مستمر و با ثبات درآمد ملی شاهد توسعه اقتصادی و منطقه‌ای در سطح کلان و ملی هستیم (ضرابی، شاه‌یوند، ۱۳۸۷، ۲۲). در ادبیات اقتصاد، مفهوم توسعه به طور مکرر مورد استفاده قرار گرفته است اما هنوز از چارچوب مفهومی و کمی دقیق برخوردار نمی‌باشد. در واقع تعریفی که توافق عمومی در مورد آن وجود داشته باشد ارائه نشده است (کلانتری، ۱۳۹۰، ۲۵). برای رسیدن به توسعه‌ای متعادل و همه‌جانبه که منجر به بهبود زندگی همه زندگی انسان‌ها شود نیاز به برنامه‌ریزی مناسب و بهینه در سطح ملی و منطقه‌ای می‌باشد (کارگر، سرور، ۱۳۹۰، ۲۹). در کشورهای در حال توسعه تمرکز شهری مشکلاتی مانند توزیع نامتعادل جمعیت، افزایش بیکاری، مهاجرت و مانند آن را به دنبال داشته است (گلی، عسگری، ۱۳۸۵، ۱۴۲). همچنین به موجب این افزایش‌ها و عدم ارتباط منطقی بین توزیع و تخصیص سرمایه‌گذاری‌ها، شاهد بروز عدم تعادل و نابرابری‌ها در بین مناطق خواهیم بود (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۸۴). بر این اساس توجه به شهرهای کوچک و متوسط در پاسخگویی به نتایج نامطلوب رویکردهای بالا به پایین و اقتصاد کلان بود که به دلیل بی‌توجهی به سطوح پایین‌تر سلسله‌مراتب فضایی در راه توسعه شکست خورده بودند (Owusn, 2008, 461) در دهه‌های اخیر همزمان با ایجاد گرایش به پایداری و توزیع عادلانه فعالیت‌های اقتصادی و شمار جمعیت، توجه به شهرهای میانی و کوچک افزایش یافته است (MalSoon, 1990, 49)^۱ در جهت مدیریت شهری کارآمدتر و مدیریت با ثبات‌تر، این شهرها باید در راستای منابع مالی گام بردارند (Bolay, 2004, 416)^۲.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

در ایران نگرش به توسعه منطقه‌ای و اقتصادی بر پایه ایجاد قطب‌های رشد و سرمایه‌گذاری‌ها بر روی بخش صنعت، به خصوص بعد از برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم قبل از

^۱ MalSoon

^۲ Bolay

انقلاب موجب گردید (ضرابی، موسوی، ۱۳۸۸، ۶). مقابله با قطب رشد و دوگانگی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای سبب شد تا شهرهای میانی در توسعه ملی به عنوان موضوعی حیاتی مورد توجه قرار گیرند (Tacoli, 2002, 4)^۱. رشد شتابان شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری سرعت بیش تری یافته است. بر این اساس سنجش توسعه یافتگی اقتصادی شهر بناب، مشخص کردن میزان توسعه یافتگی اقتصادی نسبت به مادر شهر تبریز، ارائه راهکارهای سازنده در جهت توسعه اقتصادی پایدار از ضروریات پژوهش حاضر می باشد.

شهر بناب به علت جاذبه‌های تاریخی، و ملقب به (شهر آب، آفتاب، کتاب) و موقعیت جغرافیایی ارتباطی (تبریز - کردستان)، جاذب جمعیت بوده و رشد و گسترش یافته است. تمرکز امکانات و خدمات در شهر بناب سبب برهم خوردن تعادل و توازن و گسیختگی پیوند فضایی سکونتگاه‌های زیستی و ساختار فضایی شهرها گردیده است (پوراحمد و خلیجی، ۱۳۹۳، ۵). به همین جهت، توجه به نقش و کارکرد شهرهای کوچک می‌تواند با کاهش عدم تعادل‌ها، جذب سرریزهای جمعیتی شهرهای بزرگ و ارائه امکانات و خدمات و جمعیت‌دهی به سکونتگاه‌های روستایی نقش مؤثری را در این زمینه ایفا نماید. به همین منظور با توجه به مطالب پیش‌گفته و همچنین لحاظ نمودن محدودیت‌های موجود در سطح بناب به منظور موفقیت سیاست‌های تمرکززدایی منطقه‌ای، برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای مناسب، یک نیاز اساسی است. در این راستا بررسی و شناخت وضعیت مناطق مختلف، جهت ارائه طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها ضروری است. هدف این پژوهش مشخص کردن تاثیر شهرمیان بناب در فرایند توسعه سکونتگاه‌های پیرامونی (ناحیه) و ارزشیابی عملکرد این شهر در حوزه اقتصادی و جمعیتی است. به این منظور پس از اشاره کوتاهی به شواهد تجربی پیرامون موضوع، با استفاده از روش‌های تحلیل اقتصادی، به تحلیل و ارزیابی توسعه منطقه‌ای بناب پرداخته می‌شود.

۳- ادبیات تحقیق

دیدگاه توسعه در دوران قبل از انقلاب بر محور رشد اقتصادی بود که بعد از انقلاب اسلامی به دیدگاه دگرگون ساز تغییر جهت داد. در دیدگاه دگرگون ساز بعد از انقلاب اسلامی، انتظار خودکفایی و تلاش برای جبران محرومیت سکونتگاه‌های کشور از راه تزریق و عرضه خدمات بیش تر و بدون برنامه در دستور کار قرار گرفت (رضوانی، ۱۳۹۰،

^۱ Tacoli

۲۶؛ طالب، ۱۳۷۶، ۱۹؛ غفاری، میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰، ۵). چراکه هر جامعه ای در راه توسعه تلاش می کند زیرا توسعه هدفی است که بالاتر از رشد بوده و مداومت در ارائه کیفیت های متنوع زندگی را مدنظر دارد و دارای ذاتی پیچیده و مبهم است (امانپور، عزیزاده، دامن باغ، ۱۳۹۲، ۱۰۷) برخی از صاحب نظران معتقدند که یکی از موانع مهم در توسعه اقتصادی- اجتماعی همه جانبه، توزیع مکانی نامتعادل جمعیت است (کرمی، سرخ کمال و همکاران، ۱۳۹۲، ۲) از این رو ویژگی های جغرافیایی از عمده ترین مسائل ارزیابی محیط های زیستی، نحوه استقرار و نوع معیشت محسوب می شوند (محمدخانی، ملک حسینی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۶۱). اما با ارزیابی اثرات منفی و عدم توفیق این رویکرد دوباره زمینه برای توجه به دیدگاه های متناسب با رشد مورد توجه بیش تری قرار گرفت. همزمان با ایجاد این تغییرات در الگوهای مرتبط با توسعه تحولات مهمی در بخش کیفیت زندگی پدید آمد (پاپلی یزدی و امیری، ۱۳۸۷، ۳۱). لذا با توجه به اینکه هر نوع برنامه ریزی و طراحی شهری فرع بر معرفت و شناخت جامع محتوایی- کالبدی، علمی- عملی از سیستم شهری، زیرسیستم ها و سیستم های فرادستی شهر مورد مطالعه با رویکردی نسبیست گرایانه در بعد مکان و زمان می باشد (عزت پناه، رشیدی و همکاران، ۱۳۹۲، ۵۳)؛ گام نخست در زمینه توسعه اقتصادی منطقه ای مطالعه وضع موجود و بیان شفاف و علمی میزان می باشد. در این راستا، در کشور ما، مطالعات ارزنده ای پیرامون موضوع های مختلف در سطوح استانی و شهرستانی صورت گرفته و از برخی فنون کمی نیز بهره گیری شده است؛ عبدالله زاده و شریف زاده (۱۳۹۱)، در مقاله «سطح بندی توسعه منطقه ای در ایران» با استفاده از ۴۱ شاخص که در سه گروه اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی هستند، به رتبه بندی پرداخته اند. نتایج نشان می دهد که استان تهران، سمنان و اصفهان از توسعه یافته ترین استان های کشورمان می باشند. تفاوتی و همکاران در پژوهشی دیگر تحت عنوان تحلیل فضایی و سنجش توسعه یافتگی دهستان های شهرستان میاندوآب با استفاده از مدل تاپسیس فازی، ۲۳ شاخص از شاخص های توسعه شهرستان میاندوآب را مورد تحلیل قرار داده است. نتایج آن حاکی از آن است که دهستان آجرلوی غربی به عنوان تنها گزینه برخوردار، رتبه نخست توسعه را در بین دهستان های شهرستان میاندوآب داراست. نستر و فتاحی در مقاله خود برای شناسایی ابعاد توسعه در شهرستان های استان گلستان، ۳۸ شاخص گوناگون در قالب ۹ شاخص جمعیتی، اقتصادی، صنعت و معدن، کشاورزی، زیربنایی، بهداشتی و درمانی و در میان ۱۱ شهرستان، مورد مطالعه قرار داده و نتایج آن با به رهگیری از مدل تحلیل عاملی ارزیابی شده

است (نسترن و فتاحی، ۱۳۸۹، ۱). ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، در مطالعه کلیه شهرستان‌های ایران، وجود عدم تعادل‌های منطقه‌ای را گزارش داده‌اند. نتایج بیش‌تر این مطالعات، حاکی از برتری استان‌های تهران، اصفهان و ضعف توسعه‌یافتگی در استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، خراسان جنوبی و ایلام است. در زمینه نقش شهرهای متوسط و تأثیر آنها در توسعه منطقه‌ای، مطالعات و تحقیقاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده است: جمال و اشرف، در مقاله‌ای تحت عنوان توسعه شهرهای میانه اندام با عنوان «شیوه‌ای جایگزین برای شهرنشینی»، به این نتیجه رسیده‌اند که سطح و الگوی رشد و توسعه متوازن شهرهای میانی در یک منطقه، تعیین‌کننده سطح توسعه منطقه‌ای می‌باشد. علاوه بر آن، شهرهای میانی به عنوان مراکز خدمات‌رسانی به پس‌کرانه‌های روستایی، مکان‌های مرکزی در نظام سکونت‌گاهی، مراکز فراوری محصولات کشاورزی، مراکز جذب بخش مهمی از مهاجران روستایی و موتورهای محرک اقتصادی روستایی عمل می‌کنند (Jamal, 2004, 1-2). تاکولی^۱ در مقاله «نقش شهرهای کوچک و متوسط در توسعه منطقه‌ای و کاهش فقر روستایی»، به این نتیجه رسیده است که شهرهای میانی توانسته‌اند در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ به عنوان بازارهای محلی برای تولیدات کشاورزی در پس‌کرانه‌ها و مناطق روستایی عمل کنند و از این طریق کانون‌های مهمی برای جذب تولیدات مزارع کوچک مقیاس هستند (Tacoli, 2004, 17-18). بلای و رابینویچ^۳ در مقاله «نقش توسعه‌ای شهرهای میانی در آمریکای لاتین» به این نتیجه می‌رسد که هنوز هم درک درستی از نقش و جایگاه شهر میانی وجود ندارد و به همین دلیل در آمریکای لاتین چنین شهرهایی، در راهبردهای توسعه چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. شهرهای میانی در آمریکای لاتین به عنوان ابزار تجاری‌سازی محصولات محلی، عمل کرده و به وارد شدن شهر و منطقه پیرامون در اقتصاد ملی و حتی بین‌المللی کمک نموده است (Bolay, 2004, 409).

۴- روش تحقیق و محدوده مورد مطالعه

با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی، ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر، از نوع کاربردی و نظری، روش انجام آن توصیفی - تحلیلی، نوع تحلیل، کمی و محدوده جغرافیایی مورد مطالعه، شهر بناب در استان آذربایجان شرقی می‌باشد. برای دستیابی

^۱- Tacoli

^۲- Organisation for Economic Co-operation and Development

^۳- Bolay & Rabinovich

به هدف مورد نظر، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از روش اسنادی گردآوری شده‌اند. روش کتابخانه‌ای؛ شامل مرور تحقیقات و مطالعات انجام شده در ارتباط با موضوع و استفاده از آمارها و داده‌های مورد نیاز برای بررسی و تحلیل (جمعیتی و اقتصادی) است. آمارهای مورد استفاده، از مرکز آمار، سازمان راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی و شهرداری بناب جمع‌آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل و پردازش داده‌ها از تکنیک‌ها و مدل‌های منطقه‌ای؛ شامل شاخص نخست شهری^۱، ضریب کشش‌پذیری^۲، ضریب مکانی^۳، مدل ایزارد^۴ و مدل ژرژ شابو^۵ و تونی گارنیه^۶ استفاده شده است. ابتدا بر اساس مدل‌های نخست شهری و ضریب کشش‌پذیری، جایگاه شهر بناب در نظام شهری استان آذربایجان شرقی، بررسی و تحلیل شده و سپس با بهره‌گیری از مدل‌های مثلث ژرژ شابو و تونی گارنیه، طولی و عرضی ایزارد و ضریب مکانی توان اقتصادی شهر بناب در توسعه منطقه‌ای استان ارزیابی شده است از مهم‌ترین شاخص‌هایی که مورد استفاده قرار گرفته است می‌توان به تعداد جمعیت شهرنشین، تعداد و درصد شاغلان در بخش‌های مختلف اقتصادی، ضریب اشتغال و بیکاری در بناب اشاره کرد.

بناب با وسعتی معادل ۷۷۸/۷۵ کیلومتر مربع ۱/۷ درصد از کل مساحت استان را به خود اختصاص داده و در واقع یکی از شهرستان‌های کوچک استان است. این شهرستان از نظر مختصات جغرافیایی در عرض شمالی ۳۷ درجه و ۱۱ دقیقه الی ۳۷ درجه و ۳۲ دقیقه و در طول شرقی ۴۵ درجه و ۴۵ دقیقه الی ۴۶ درجه و ۱۰ دقیقه قرار گرفته است از شمال با شهرستان عجب شیر و از غرب با دریاچه ارومیه از شرق با شهرستان مراغه از جنوب شرقی با ملکان و از جنوب غربی با استان آذربایجان غربی هم‌جوار می‌باشد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری این شهرستان دارای یک بخش (بناب) و سه دهستان (بناجوی شمالی - بناجوی شرقی - بناجوی غربی) است. شهر بناب از یک موقعیت خاص جغرافیایی برخوردار است که نقش مهمی در روند توسعه و پیشرفت سریع آن را داشته است. واقع شدن آن در محل تلاقی راه‌های متعدد و یا مسیر راه‌های هوایی (فرودگاه سهند)، زمینی (راه آهن تهران- تبریز)، جاده ترانزیتی (تبریز، کردستان و آذربایجان غربی)، و عبور خط انتقال گاز سراسری و خط انتقال آب

¹ - Urban Primacy Index.

² - Elasticity Coefficient

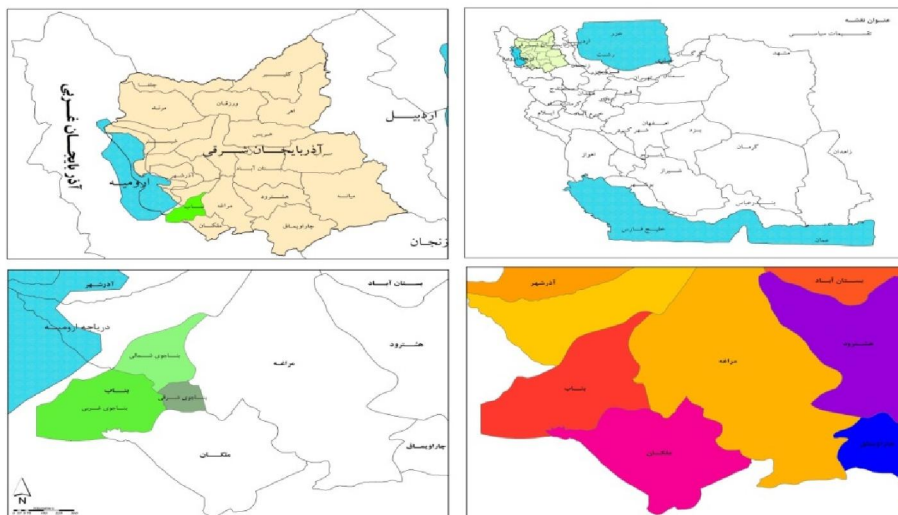
³ - Location Quotient

⁴ - Izard Model

⁵ - Georges Shabv

⁶ - Tony Garnyh Model

زیربنه‌رود به شهر تبریز و استقرار واحدهای عظیم صنعتی، نظامی، تحقیقاتی، فرهنگی و تولیدی، به کلی بیانگر موقعیت ممتاز این شهر می‌باشد (شکل ۱).



شکل ۱- موقعیت بناب

مأخذ: وظیفه شناس و همکاران، ۱۳۹۰

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- ارزیابی عملکردی جمعیت شهر بناب در سطح استان

پیدایش شهرهای پرجمعیت، به شکل‌گیری پدیده نخست شهری منجر شده که این امر عدم تعادل در نظام شهری را موجب گردیده است و نوعی سلسله‌مراتب شهری غیرعادی را به وجود آورده است. بر اساس قانون رتبه - اندازه که جایگاه و رده بندی تعادلی یا عدم تعادلی استقرار شهرهای استان شرقی بررسی می‌شود، اگر شهرهای استان بر اساس جمعیت به ترتیب منظم شوند در آن صورت شهر دوم استان باید یک دوم جمعیت شهر اول و جمعیت شهر سوم یک سوم جمعیت شهر اول و الی آخر باشد. چنانکه ملاحظه می‌شود به رغم رشد متعادل جمعیتی شهر بناب در سال‌های مختلف فاصله جمعیتی شهر اول با شهر بناب با گذشت زمان افزایش یافته است و دلیل عمده آن مهاجرت پذیری نسبی شهر تبریز به خصوص

از شهرهای کوچک شهرستان تبریز و استان به خاطر تمرکز برخی فرصت های شغلی و سرمایه گذاری در این شهر بوده است. بعلاوه همان طور که ملاحظه می شود طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ با افزایش شاخص نخست شهری شهر دچار تمرکز شهری شده ولی در طی سال ۷۵ تا ۸۵ با کاهش مواجه هستیم که نشان می دهد از تمرکز شهری بناب کاسته شده است. با توجه به شاخص دیویدسون نتیجه می گیریم که در طی سال های ۳۵ تا ۶۵ بناب دچار تمرکز شهری و در طی سال های ۷۵ تا ۹۰ از تمرکز شهری کاسته شده است (جدول ۱).

جدول ۱- روند تغییرات نخست شهری استان آذربایجان شرقی طی سال های ۹۰-۱۳۳۵

رتبه شهر	جمعیت شهر	۱۳۳۵	۱۳۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
۱	تبریز	۲۸۹۹۶۶	۴۰۳۴۱۳	۵۹۷۹۷۶	۹۷۱۴۸۲	۱۱۹۱۰۴۳	۱۴۴۸۶۵۳	۱۵۴۵۴۹۱
۷	بناب	۱۴۳۹۶	۱۹۰۳۰	۲۹۱۶۹	۴۵۸۸۵	۶۳۲۴۰	۷۶۶۱۰	۷۲۸۲۴
۸	آذرشهر	۱۲۶۸۷	۱۵۳۱۸	۱۹۶۵۳	۲۶۳۹۰	۳۱۶۵۱	۶۰۴۸۰	۶۴۶۷۲
۹	شبستر	۵۴۴۱	۶۲۲۸	۶۷۲۴	۷۵۹۲	۹۸۸۷	۵۹۵۱۷	۶۰۳۹۳
-	شاخص نخست شهری جفرسون	۲۰/۱۴	۲۱/۲۰	۲۰/۵۰	۲۱/۱۷	۱۸/۸۳	۱۸/۹۱	۲۱/۲۲
-	شاخص نخست شهری دیویدسون	۸/۹۲	۹/۹۴	۱۰/۷۷	۱۲/۱۶	۱۱/۳۷	۷/۳۷	۷/۸۱

مأخذ: (وظیفه شناس و همکاران، ۱۳۹۰، ۵۶ و نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی، ۱۳۳۵-۱۳۹۰)

۵-۲- ضریب کشش پذیری

با کاربرد این شاخص می‌توان میزان کشش و انعطاف‌پذیری جمعیت کانون‌های شهری را در یک منطقه و همچنین نسبت به کل منطقه، محاسبه و تحلیل کرد. همچنین این شاخص، یکی از مؤلفه‌های قابل سنجش در گرایش‌های موجود فضایی مناطق در سطح کشور و مقایسه آنها با یکدیگر به شمار می‌رود (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۵). این مدل شاخصی است که با آن می‌توان درصد جمعیت شهری را در مقابل کل جمعیت منطقه یا کشور ارزیابی کرد (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵، ۲۰۸). به گفته‌ی دیگر با کاربرد این شاخص می‌توان، میزان کشش و انعطاف‌پذیری جمعیت کانون‌های شهری را در یک منطقه و همچنین نسبت به کل منطقه، محاسبه و تحلیل کرد. همچنین این شاخص، یکی از مؤلفه‌های قابل سنجش در گرایش‌های موجود فضایی مناطق در سطح کشور و مقایسه آنها با یکدیگر به شمار می‌رود. مطالعه این مدل در مورد شهرهای شهرستان استان، نشان از توان جمعیت‌پذیری بسیار بالای شهر تبریز نسبت به دیگر شهرها دارد، به گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵، تبریز و بناب ظرفیت جمعیت‌پذیری دارد؛ در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، شهرهای کوچک شهرستان، بناب ضریب کشش‌پذیری بالای یک ندارند و این نشان‌دهنده‌ی مهاجرفرست این شهرهاست؛ که دلیل عمده این مسأله نیز به تبعیت از عدم ادامه‌ی روند شهری شدن و کاهش جمعیت دانشجویی در شهر بناب بوده است. (جدول ۲).

$$E_{(t,t+10)} = \frac{Y_u = (t, t+10)}{r(t, t+10)} \quad (1)$$

E : ضریب کشش‌پذیری در فاصله زمانی $t, t+10$

Y_u : نرخ رشد سالانه جمعیت شهری

r : نرخ رشد سالانه کل جمعیت

جدول ۲- ضریب کشش پذیری شهر اول استان، شهر آذربایجان شرقی و شهر بناب نسبت به استان طی سال های ۹۰-۱۳۶۵

کشش پذیری			نرخ رشد			مکان سال
۹۰-۸۵	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۶۵-۷۵	۹۰-۸۵	۷۵-۸۵	۱۳۶۵-۷۵	
-۰/۴	۲/۴۴	۲/۶۷	۱/۳۰	۱/۹۸	۲/۰۶	تبریز
۰/۳	۲/۳۸	۴/۲۲	-۱	۱/۹۳	۳/۲۵	بناب
-	-	-	-۳/۲۸	۰/۸۱	۰/۷۷	استان

مأخذ: (وظیفه شناس و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۲)

۵-۳- کارکرد اقتصادی بناب در سطح استان

روش ضریب مکانی، یکی از تکنیک‌های تحلیلی اقتصاد پایه است که در سطح وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش را ضریب تخصص نیز می‌نامند. در روش ضریب مکانی که مشخص‌کننده پایه‌ای یا غیرپایه‌ای بودن فعالیت های اقتصادی شهر می‌باشد، عدد بالاتر از یک نشان‌دهنده شرایط پایه‌ای بخش اقتصادی و توان صادراتی شهر در سطح استان است، عدد کم تر از یک نشان‌گر آن است که شهر در فعالیت اقتصادی دارای شرایط پایه نیست و عدد برابر با یک، نشانگر خودکفایی شهر در فعالیت اقتصادی می‌باشد (افراخته، ۱۳۸۹، ۲۶) (رابطه ۲).

ضریب مکانی در بخش کشاورزی در شهر بناب در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در هر دو سال ۱/۳۳ بوده است، یعنی این شهر در بخش فعالیت کشاورزی دارای شرایط پایه ای، می باشد. بخش صنعت در سال ۸۵ دارای ضریب مکانی ۰/۷۸ می باشد که این رقم در سال ۹۰ ۰/۷۶ می باشد. در بخش خدمات در سال ۸۵ و ۹۰ به ترتیب ۱/۰۵ و ۱/۰۲ می باشد که پایه ای بودن هر دو فعالیت را نشان می دهد و علت پایه ای بودن فعالیت، در شهر بناب افزایش تولید در بخش صنعت است که توانسته به علت ایجاد برخی فعالیت های پایه ای صنعتی در سطح شهر نظیر صنایع متوسط و کارگاهی و به خصوص گسترش واحدهای تولیدی در شهرک صنعتی موفق عمل بکند. در بخش خدمات نیز به تبع افزایش نیروی کار موجب شده بخش قابل توجهی جذب این بخش بشوند.

$$L.Q = \frac{\frac{TN_i}{CN_i}}{\frac{TN_a}{CN_a}} \quad \text{رابطه (۲)}$$

L.Q: ضرب مکانی

TNi: تعداد نیروی کار موجود در بخش i در شهر

TNa: تعداد نیروی کار موجود در شهر

CNI: تعداد نیروی کار موجود در بخش i در کل کشور

CNa: تعداد کل نیروی کار موجود در کل کشور

جدول ۳- ضرب مکانی در شهر بناب طی سال های ۹۰-۱۳۸۵

ضرب مکانی		تعداد شاغلان		بخش	مکان
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	اقتصادی	
۱/۳۳	۱/۳۳	۱۱۵۶۰	۱۱۲۷۱	کشاورزی	بناب
۰/۷۶	۰/۷۸	۱۰۷۵۷	۱۱۲۵۶	صنعت	
۱/۰۲	۱/۰۵	۱۹۳۴۴	۱۸۲۹۲	خدمات	
-	-	۴۱۶۶۱	۴۰۸۱۹	کل	
-	-	۲۳۹۸۵۸	۲۳۷۱۷۰	کشاورزی	
-	-	۳۸۰۲۰۴	۴۱۸۴۸۵	صنعت	
-	-	۵۰۷۳۰۷	۴۹۹۵۶۶	خدمات	
-	-	۱۱۲۷۳۶۹	۱۱۵۵۲۲۱	کل	

مأخذ: (وظیفه شناس و همکاران، ۱۳۹۰، ۸۰ و نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی، ۹۰-۱۳۶۵)

۴-۵- نقش غالب اقتصادی

متخصصان رشته‌های مختلف به ویژه برنامه‌ریزان شهری و جغرافی دانان، در ارزیابی نقش شهرها، عمدتاً به نوع اشتغال اشاره می‌کنند؛ به این مفهوم که اگر در یک شهر، در بخشی یا زیربخش‌های اقتصادی، به نسبت معینی اشتغال وجود داشته باشد، نقش شهر نیز در همان زمینه تعریف می‌شود. بر اساس مدل تونی گارنیه و ژرژ شابو شهرها می‌توانند حائز شش نقش عملکردی باشند (زرآبادی و خلیجی، ۱۳۹۲، ۶).

بر اساس آمار سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بخش‌های سه گانه اقتصاد یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت به طوری که بخش کشاورزی به ترتیب

۲۷/۶۱، ۲۷/۷۵، بخش صنعت ۲۷/۵۸، ۲۵/۸۲ و بخش صنعت ۴۴/۸۱، ۴۶/۴۳ می باشند(جدول ۴).

جدول ۴- تحولات بخش های اقتصادی شهر بناب طی سال های ۸۵ و ۹۰

سال	کشاورزی و دامپروری	صنعت و معدن	خدمات و بازرگانی
۱۳۸۵	۲۷/۶۱	۲۷/۵۸	۴۴/۸۱
۱۳۹۰	۲۷/۷۵	۲۵/۸۲	۴۶/۴۳

مأخذ: مرکز آمار ایران ۸۵-۱۳۹۰

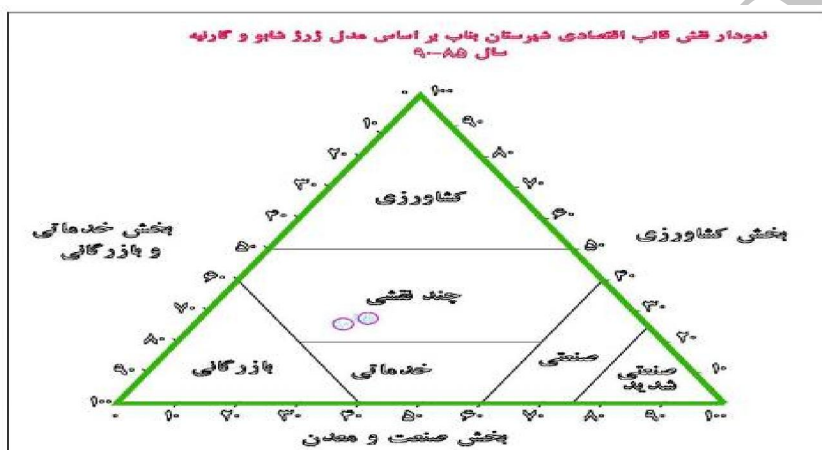
با توجه به جدول ۴ و با در نظر گرفتن بخش های مختلف اقتصادی شهر بناب طی سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ چنانچه بخواهیم نقش غالب شهر بناب در وضع موجود ارزیابی نماییم به کمک مدل ژرژ شابو و تونی گارنیه می توان گفت که شهر بناب طی سال های ۹۰-۱۳۸۵ دارای نقش چند نقشی بوده که از ویژگی این نقش حرکت شهر در آینده به طرف خدماتی و بازرگانی خواهد بود(شکل ۲).

جدول ۵- تعداد و درصد شاغلین جمعیت فعال شهرستان بناب به تفکیک بخش های عمده فعالیت در سال ۱۳۹۰

درصد شاغلین		تعداد شاغلین		گروه های عمده فعالیت	بخش های عمده فعالیت
۲۷/۷۵	۲۷/۵۷	۱۱۵۶۰	۱۱۵۶۰	کشاورزی، شکار، جنگلداری، شیلات	کشاورزی
۲۵/۸۲	۱۵/۱۹	۱۰۷۵۷	۶۳۲۹	صنعت- ساخت	صنعت
	۹/۴۶		۳۹۴۲	ساختمان	
	۱/۰۹		۴۵۶	آب، برق و گاز	
	۰/۰۷		۳۰	تأمین استخراج معادن	
۴۶/۴۳	۱۳/۰۹	۱۹۳۴۴	۵۴۵۵	عمده فروشی، خرده فروشی	خدمات
	۸/۸۱		۳۶۶۹	حمل نقل ارتباطات و انبارداری	
	۲/۵۱		۱۰۴۴	هتل و رستوران	
	۰/۳۴		۱۴۰	اطلاعات و ارتباطات	
	۰/۴۸		۱۹۹	مستغلات، اجاره و فعالیت های کسب و کار	
	۵/۷۶		۲۴۰۰	آموزشی	
	۵/۶۲		۲۳۴۱	اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی اجباری	

	۰/۹۹		۴۱۱	سایر فعالیت های عمومی، اجتماعی و شخصی
	۱/۷۱		۷۱۳	بهداشت و مددکاری اجتماعی
	۰/۱۸		۷۵	هنر و تفریح
	۶/۹۵		۲۸۹۷	فعالیت های نامشخص و اظهار نشده
	۱۰۰	۴۱۶۶۱		کل

مأخذ: وظیفه شناس و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۶ و سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰



شکل ۳- نقش غالب اقتصادی بناب بین سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۰
وظیفه شناس و همکاران، ۱۳۹۰، ۷۷

۵-۵- مدل ترسیمی طولی - عرضی ایزارد (سهم اقتصادی بناب در منطقه)

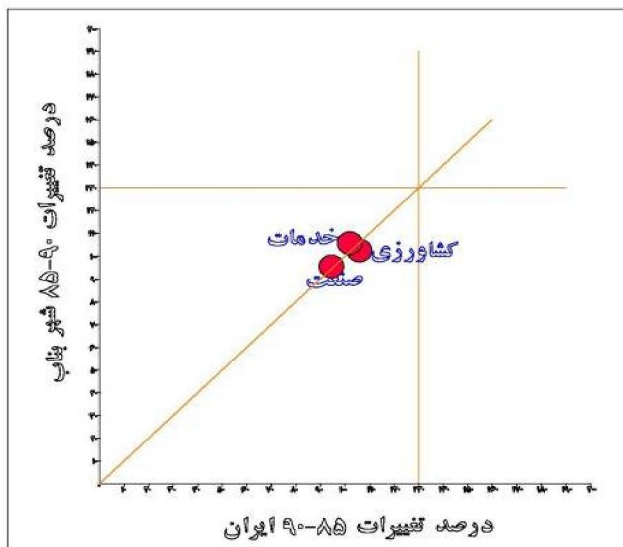
در این روش، آهنگ رشد اقتصادی در بخش های مختلف اقتصادی با توجه به دو دوره سرشماری و بر یک پایه کلی یا ملی محاسبه می شود. به طور کلی، این روش تفاوت رشد در بخش های مختلف اقتصادی منطقه را در مقایسه با رشد همان بخش ها در سطح ملی مورد بررسی قرار می دهد. در این نمودار، محور افقی بیانگر درصد تغییرات شاغلان در سطح ملی و محور عمودی، درصد تغییرات شاغلان منطقه یا شهر است (زیاری، ۱۳۸۷، ۹۶) ابتدا از طریق درصد تغییرات کل ملی، منطقه یا شهر به چهار قسمت تقسیم می شود که موقعیت هر یک از قسمت ها به شرح زیر است: اگر هر یک از بخش ها در قسمت I قرار گیرند، آن بخش ها در سطح ملی، منطقه یا شهر نسبت به متوسط رشد اقتصادی وضعیت بهتری را دارا بوده اند. اگر هر

یک از بخش ها در قسمت II قرار گیرند، آن بخش ها در سطح ملی پایین تر و در سطح منطقه یا شهر فراتر بوده‌اند. اگر هر یک از بخش ها در قسمت III قرار گیرند، آن بخش ها در سطح ملی و منطقه یا شهر وضعیت پایین تری را دارا بوده‌اند. اگر هر یک از بخش ها در قسمت IV قرار گیرند، آن بخش ها در سطح ملی، فراتر و در سطح منطقه یا شهر، پایین تر از متوسط رشد اقتصادی بوده‌اند (جدول ۶) (سرور و خلیجی، ۱۳۹۲، ۶۲).

جدول ۶- تغییرات کمی بخش های اقتصادی شهر بناب و کشور بین سال های ۸۵-۱۳۹۰

بخش های اقتصادی	شهر بناب		کشور ایران		سال
	شاغلین ۱۳۸۵	شاغلین ۱۳۹۰	درصد تغییرات ۸۵-۹۰	شاغلین ۱۳۸۵	
کشاورزی	۱۱۲۷۱	۱۱۵۶۰	۱۰۲/۵۶	۳۶۸۶۷۴۷	۳۹۰۲۴۰۳
صنعت	۱۱۲۵۶	۱۰۷۵۷	۹۵/۵۷	۶۳۵۶۳۹۸	۶۰۰۵۷۰۵
خدمات	۱۸۲۹۲	۱۹۳۴۴	۱۰۵/۷۵	۱۰۴۳۳۱۹۹	۱۰۶۳۸۷۶۶
جمع	۴۰۸۱۹	۴۱۶۶۱	۱۰۲/۰۶	۲۰۴۷۶۳۴۴	۲۰۵۴۶۸۷۴

مأخذ: وظیفه شناس و همکاران، ۱۳۹۰، ۶۵ و مرکز آمار ایران سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۸۵ و ۹۰



شکل ۴- موقعیت بخش های اقتصادی شهر بناب و ایران بین سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۰
مأخذ: وظیفه شناس و همکاران، ۱۳۹۰، ۶۵

شکل ۴ که بر پایه اطلاعات جدول شماره ۶ ترسیم شده است، نشان می دهد که بخش کشاورزی در سطح ملی فراتر و در سطح شهر رشدی پایین تر از متوسط رشد اقتصادی داشته است، به طوریکه که در شهر بناب بخش کشاورزی حدود ۵/۵۰ درصد از متوسط رشد اقتصادی شهر فاصله داشته، در حالیکه در سطح ملی حدود ۵/۵۱ درصد بوده است. بخش صنعت و خدمات که در قسمت III قرار گرفته است، سطح ملی و منطقه یا شهر شهر نسبت به متوسط رشد اقتصادی وضعیت پایین تری را دارا بوده اند. زاویه B که در حدود ۴۵ درجه است، بیانگر آن است که طی سال های ۸۵-۹۰ متوسط رشد اقتصادی شهر بناب بیش تر از رشد اقتصادی کشور بوده است. به طوریکه در این دهه وضعیت شهر بناب حدوداً ۲ درصد فراتر از متوسط رشد اقتصادی کشور بوده است.

۶- نتیجه گیری

رشد و توسعه منطقه ای امروزه، اکثراً متأثر از شناخت ساختار فضایی و اقتصادی شهرهای کوچک می باشد. در چند سال اخیر، توجه ویژه ای به نقش شهر های کوچک در توسعه نواحی روستایی و عملکرد مثبت آنها در الگوی سکونتگاهی مناسب در کشورهای در حال توسعه شده است. مراکز شهری کوچک کارکردهای مهمی برای ایجاد فرصت های شغلی کوچک، مرکزی برای تولید خدمات اجتماعی، مکانی برای اسکان جمعیت فاقد زمین و مسکن روستایی- بر پس کرانه های خود دارند. جهت ارائه تصویری کلی از تحقیق و یافته های آن سعی شده است فرضیات تحقیق در این فصل مورد آزمون قرار گیرد. سپس به طور مختصر به بررسی برداشت ها و نتایج کلی پرداخته شود تا چارچوبی برای نقد و ارزیابی آن چیزی که در فضای کالبدی شهر بناب تحت عنوان الگوی توسعه فیزیکی ناموزون و پراکنش شهری یاد می شود فراهم آید و رهنمودهایی برای بهبود روند توسعه ناموزون و شتابان شهر بناب ارائه گردد. در کشورهای در حال رشد شهرهای بزرگ با عدم پیوستگی کامل با شهرهای میانی و کوچک، اکثر سطوح عالی خدماتی، اجتماعی و اقتصادی را به خود اختصاص داده اند و شهرهای میانی و کوچک با ارتباط ضعیف با جوامع پائین تر از خود به صورت فضاهای پیرامونی، حاشیه ای و وابسته در آمده اند. حاصل از میان رفتن نقش شهرهای کوچک و متوسط، پیدایش شبکه شهری زنجیره ای است، که در آن شهر کوچک و یا حتی در مواردی روستا به طور مستقیم با مادر شهر اصلی در ارتباطند. در کشور های توسعه نیافته، معمولاً نقش شهرهای کوچک و متوسط کم اهمیت تر است. در مقابل شهرهای اصلی و بزرگ، اهمیت و رشد بیش تری یافته اند. علت

این امر همانا ایجاد تمرکز در این کشور هاست که عمدتاً ناشی از کمبود زیر ساختها، تمرکز سرمایه و سایر امکانات و به طور کلی عوامل متعدد اقتصادی اجتماعی حاصل از رشد روابط سرمایه داری پیرامونی است. در کشور های جهان سوم حاصل پوییش فوق، از میان رفتن نقش سرمایه داری پیرامونی است. در کشور های جهان سوم که به آن شبکه شهری زنجیره ای می گویند، یعنی هر شهر کوچک یا متوسط و حتی در مواردی هر روستا مستقیماً و به صورت زنجیره ای با مادر شهر اصلی در ارتباط است در حالیکه در کشور های پیشرفته صنعتی این شبکه غالباً به صورت همگون و کهکشانی است. بر اساس نتایج حاصل از شاخص جفرسون، میزان جمعیت شهر تبریز در سال های ۱۳۳۵ تا ۹۰ دائماً در حال تغییر بوده چنانکه دارای شیب مثبت یا منفی نبوده است. شاخص جفرسون از سال ۳۵ نسبت به ۴۵ افزایش، از ۴۵ تا ۸۵ کاهش و از ۸۵ تا ۹۰ افزایش داشته است. ضریب کشش پذیری در شهر بناب نسبت به استان آذربایجان شرقی ۴/۲۲، ۲/۳۸ و ۰/۳ طی سال های ۶۵ تا ۹۰ بوده است که این ارقام در سطح استان و ملی، افزایش یا کاهش میزان شهرنشینی را نشان می دهند. نتایج حاصل از بررسی های اقتصادی نشان می دهد که شهر بناب در بخش کشاورزی و خدمات صادرکننده است. بر اساس الگوی ضریب مکانی، مزیت نسبی، در بخش کشاورزی است اما در بخش صنعت شهر بناب وارد کننده (غیرپایه) می باشد. به طور بالقوه قابلیت بسیار زیادی برای سرمایه گذاری در بخش صنعت در شهر بناب وجود دارد؛ به گونه ای که با اندکی توجه به این بخش می توان در آینده بسیار نزدیک آن را به بخش پایه و صادرکننده، تبدیل ساخت و از فرار سرمایه های درون منطقه ای نیز جلوگیری به عمل آورد و همین موضوع به شکل عاملی در تقویت نقش اقتصادی منطقه عمل نماید. از سوی دیگر، به سبب بالا بودن نرخ اشتغال، ۹۳/۴۴ درصد می توان با ایجاد فرصت های شغلی برای نیروی کار ماهر، موجبات کاهش فقر منطقه ای را فراهم آورد. مقایسه عملکرد اقتصادی شهر بناب و کشور نیز نشان می دهد که بخش کشاورزی (۱۰۲/۵۶) و خدمات (۱۰۵/۷۵) در سطح شهر بالاتر ولی در سطح ملی پایین تر از متوسط رشد اقتصادی بوده است. از دلایل عمده این مسأله، رشد مثبت شاغلان کشاورزی و خدمات عمومی با توجه به جذب شاغلان جدید شهری و مهاجرین روستایی بوده است. بر اساس مدل ژرژ شابو و گارنیه، نقش غالب اقتصادی بناب طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ چند نقشی بوده است بررسی های انجام شده حاکی از آن است که بناب طی سال های آینده دارای نقش خدماتی یا بازرگانی خواهد بود. در یک جمع بندی کلی می توان گفت که شهر بناب توانسته در تعادل جمعیت و اقتصاد منطقه کارکرد و عملکرد، نقش مؤثری ایفا نماید.

۷- ارائه پیشنهادها

براساس نتایج و نیز عنایت به موقعیت ارتباطی شهر و نیز استقرار خدمات برتر در این شهر نسبت به شهرهای مجاور، پیشنهاد می‌گردد که در توسعه و تقویت این شهر، موارد ذیل توجه اساسی قرار گیرد تا در استان آذربایجان شرقی با جذب سرمایه، جمعیت و قبول کارکردهای منطقه‌ای، بتواند به اقتصاد شهری- منطقه‌ای تحرک بخشیده و عدم تعادل‌ها خصوصاً پدیده تمرکزگرایی و نخست شهری را در دستیابی به توسعه پایدار منطقه‌ای در استان، کاهش دهد.

- ۱- برنامه ریزی و تدوین چشم انداز در خصوص حرکت شهر بناب از شهر چند نقشی به طرف شهر خدماتی و بازرگانی با ارائه خدمات برتر و پاک و در نهایت به سمت شهر دانش بنیان
- ۲- توسعه خدمات بازرگانی و تقویت اقتصاد پایه شهر بناب
- ۳- تقویت عملکرد و نقش شهر بناب در اقتصاد پایدار
- ۴- توجه به تولیدات و صنایع غذایی شهر بناب و تلاش در خصوص برند نمودن آن
- ۵- توسعه مجموعه شهری سهند (شهرهای مراغه، بناب، عجب شیر) در حد مرکزیت بازرگانی و خدماتی
- ۶- توسعه زیرساخت های اقتصادی و ارتباطی
- ۷- توسعه و عمران شهری به منظور تقویت مراکز جمعیتی به موازات تعدیل مهاجران
- ۸- اعمال تشویق های لازم در خصوص سرمایه گذاری بخش داخلی و خارجی و تلاش در جهت توسعه تجارت
- ۹- بالابردن سطح آگاهی های عمومی در جهت پیشبرد اهداف و چشم انداز این شهر

منابع و مآخذ:

- ۱) ابراهیم زاده، ع.، اسکندری ثانی، م.، اسماعیل نژاد، م.، ۱۳۸۹. کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه نیافتگی شهری منطقه‌ای در ایران. جغرافیا و توسعه، ۸(۱۷)، ۲۸-۷.
- ۲) افراخته، ح. ۱۳۸۹. رویکردها و روش های تحقیق در برنامه ریزی منطقه‌ای. انتشارات پرهام نقش.
- ۳) اکبریان رونیزی، س.، پور جابری، م. ۱۳۹۲. ارزیابی عملکردی شهرهای میانی در تعادل جمعیت و اقتصاد منطقه‌ای، نمونه موردی: شهر فسا- استان فارس. فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، ۳(۹)، ۴۳-۵۲.
- ۴) امانپور، س.، علیزاده، ه.، دامن صباغ، ص. ۱۳۹۲. ارزیابی میزان توسعه یافتگی شهرستان های استان کرمانشاه از لحاظ برخورداری از شاخص های خدمات شهری. فصلنامه آمایش محیط، ۶(۳۳)، ۱۰۵-۱۲۶.
- ۵) پریزادی، ط.، اسدی، ص.، مولائی قلیچی، م.، شیخی، ح. ۱۳۹۱. بررسی و تحلیل قابلیت های مزایای نسبی توسعه منطقه‌ای در بنادر شمال ایران با اسفاده از تلفیق تکنیک های TOPSIS و ELECTRE. فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، ۲(۶)، ۱۵-۲۹.
- ۶) پاپلی یزدی، م. امیری ابراهیمی، م. ۱۳۸۷. نظریه های توسعه روستایی. چاپ هفتم. انتشارات سمت.
- ۷) پوراحمد، ا.، خلیجی، . ۱۳۹۳. قابلیت سنجی تحلیل خدمات شهری با استفاده از تکنیک VIKOR مطالعه موردی شهر بناب. برنامه ریزی فضایی، ۴(۲)، ۱-۱۶.
- ۸) تقوایی، م.، احمدیان، م.، علی زاده، ج. ۱۳۹۰. تحلیل فضایی و سنجش توسعه یافتگی دهستان های شهرستان میاندوآب با استفاده از مدل تاپسیس فازی. برنامه ریزی فضایی، ۱(۳)، ۱۳۱-۱۵۴.
- ۹) حاتمی نژاد، ح.، حمید پور، ح.، محمد پور، ص. ۱۳۹۰. تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرند در سطح شهرستان مرند. مجله پژوهش های جغرافیای انسانی، ۴۳(۷۸)، ۲۳-۴۴.
- ۱۰) حکمت نیا، ح.، موسوی، م. ۱۳۸۵. کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای. یزد، انتشارات علم نوین.
- ۱۱) حسین زاده دلیر، ک.، اکبریور سراسکانرود، م.، حسینی، م. ۱۳۹۱. مدیریت شهری در شهرهای ایران. فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱۲(۳۷)، ۱۵۹-۱۸۱.

- (۱۲) رضوانی، م. ۱۳۹۰. برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران. ویرایش اول، چاپ چهارم، انتشارات قومس.
- (۱۳) زرآبادی، ز.، خلیجی، م. ۱۳۹۲. بررسی نقش و کارکرد های شهرهای میانی در توسعه اقتصاد منطقه ای (مطالعه موردی شهرستان بوکان). همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان. اردیبهشت ماه.
- (۱۴) زیاری، ک. ۱۳۸۷. اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای. انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۵) سرور، ر.، خلیجی، م. ع. ۱۳۹۲. جایگاه شهر قشم در توسعه اقتصادی منطقه ای، اقتصاد و مدیریت شهری. ۲(۵)، ۵۳-۶۷.
- (۱۶) عبدالله زاده، غ.، شریف زاده، ا. ۱۳۹۱. سطح بندی توسعه منطقه ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی). مطالعات و پژوهش های شهری منطقه ای، ۴(۱۳)، ۴۱-۶۲.
- (۱۷) عزت پناه، ب.، رشیدی، ا.، حضاری، ا. ۱۳۹۲. پهنه بندی سکونتگاه های غیررسمی و محلات نابسامان شهری (مطالعه موردی: شهر بناب). فصلنامه آمایش محیط، ۶(۲۰)، ۵۳-۸۰.
- (۱۸) غفاری، غ.، میرزایی، ح.، کریمی، ع. ۱۳۹۰. بررسی رابطه صنعت و کیفیت زندگی (مطالعه موردی مناطق روستایی شهرستان قروه). مجله توسعه روستایی، ۳(۱)، ۴۵-۶۴.
- (۱۹) ضرابی، ا.، شاهپوندی، ا. ۱۳۸۹. تحلیلی بر پراکندگی شاخص های توسعه اقتصادی در استان های ایران، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ۲۴(۲)، ۱۷-۳۲.
- (۲۰) ضرابی، ا.، موسوی، م. ۱۳۸۸. بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه ای مطالعه موردی استان یزد. مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ۲(۲)، ۱-۱۸.
- (۲۱) طالب، م. ۱۳۷۶. مدیریت روستایی در ایران. بر اساس مطالعه انجام شده در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- (۲۲) کارگر، ب.، سرور، ر. ۱۳۹۰. شهر، حاشیه و امنیت اجتماعی. تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- (۲۳) کلینتری، خ. ۱۳۹۰. برنامه ریزی و توسعه منطقه ای. تهران، انتشارات خوشبین.
- (۲۴) کرمی، م.، سرخ کمال، ک.، شهاب الملک، ج.، محمودی، ح. ۱۳۹۲. تحلیل سلسله مراتب شهری استان کرمانشاه در طی شش دوره سرشماری (۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵). فصلنامه آمایش محیط، ۶(۲۲)، ۱-۲۰.
- (۲۵) گلی، ع.، عسگری، ع. ۱۳۸۵. کاربرد منطق فازی در تبدیل روستا به شهر نمونه موردی استان تهران. فصلنامه مدرس، ۱۰(۲)، ۱۳۹-۱۵۹.

- ۲۶) محمدخانی، م.، ملک حسینی، ع.، شمس، م. ۱۳۹۲. شناسایی نواحی مستعد استقرار جمعیت و فعالیت با توجه به توان محیطی در دو استان تهران و البرز. فصلنامه آمایش محیط، ۶(۲۱)، ۱۵۹-۱۷۹.
- ۲۷) مرکز آمار ایران. ۱۳۹۰. اطلاعات اقتصادی استان آذربایجان شرقی. قابل دسترس در سایت <http://salnamehtotal.sci.org.ir>
- ۲۸) مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵-۱۳۹۰. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان آذربایجان شرقی. قابل دسترس در سایت <http://amar.sci.org.ir>
- ۲۹) نسترن، م.، فتاحی، س. ۱۳۸۸. سطح بندی شهرستان های استان گلستان از نظر شاخص های توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی. جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱(۱)، ۵۰-۶۲.
- ۳۰) وظیفه شناس، ر.، خلیجی، م.ع. ۱۳۹۰. بررسی نقش شهر های میانی در توسعه پیرامونی (مطالعه موردی شهر میانی بناب)، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب.
- 31) Bolay J.c, Rabinovich A. 2004. Intermediate citues in Latin America risk and Opportunities of urban development. *Cities*, 21(5), 407-421.
- 32) Jamal, Z., Ashraf, M. 2004. Development of Intermediate-Size Towns: an Alternative of Urbanization, *Quarterly Sience Vision*, 9(1-2), 1-8
- 33) MalSoon M. 1990. Growth of small and intermediate cities in Korea 1975- 1980T *Korea Jurnal of Population and Development*, 19(1), 47-70.
- 34) Owusn, G. 2008. The role of small towns in regional development and poverty reduction in Ghana, *International Journal of urban and Regional Research*, 32(3), 453-472.
- 35) Tacoli, C., Satterthwaite, D. 2002. The Urban Part of Development: the role of Small and Intermediate Urban Centers in their Regional and Local Economies, Including Rural Development and Poverty Reduction, prepared for the working group on secondary towns and rural growth *European Forum on Rural Development Cooperation Montpellier*, 4 -6.
- 36) Tacoli, C. 2004. The Role of Small and Intermediate Urban Centers and Markets Towns and the Value of Regional Approaches to Rural Poverty Reduction Policy, Prepared for the OECD DAC POVNET, Agriculture and Pro-Poor Growth task Team, Helsinki Workshop, 17-18 June.